

## ای مدنی برقع مکی نقاب

محمد رضا ترکی (دانشیار دانشگاه تهران)

ای مدنی برقع مکی نقاب  
سایه نشین چند بود آفتاب

این بیت از مشهورترین ابیات منظومه مخزن الاسرار نظامی است در نعت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم. نظامی از آفتاب رسالت می خواهد که از سایه نشینی یعنی پوشیدگی و انزوا در مدفن خویش برون آید و به فریاد مسلمانان برسد. عبارت شارحان در توضیح «مدنی برقع» و «مکی نقاب» مختلف و اغلب متکلفانه است و، چنان که خواهیم دید، نمی تواند مقصود نظامی را به روشنی بیان کند. برای آنکه سابقه بحث روشن گردد، نظری می افکنیم به دیدگاه های شارحان در ذیل این بیت و به نقد آنها به اختصار.

وحید دستگردی، در معنی این بیت، می نویسد:

ای کسی که از مسقط الرأس مکه و مدفن مدینه برقع و نقاب بر روی گذاشته ای، آفتاب وجود تو تا چند سایه نشین خاک مدینه باشد؟ برقع بودن مدینه به سبب قبر و نقاب بودن مکه به جهت مخالفت کفار از تابش آفتاب شرع رسول است. (وحید دستگردی، ص ۲۴)

سخن شارح در توضیح نقاب بودن مکه بر چهره رسول اکرم روشن نیست و معلوم نمی کند که چه رابطه ای بین مسقط الرأس بودن مکه برای رسول الله و برقع و نقاب بودن

آن وجود دارد. شارح محترم همچنین توضیح نداده است که مخالفت مکیان کافر با پیامبر اسلام چه ربطی با موضوع دارد. مگر کافران مکه توانستند مانع تابش آفتاب شرع نبوی شوند که مخالفت و سرکشی آنان نقابی بر رخسار آن حضرت شمرده شود؟ این آفتاب عالمتاب تاکنون در تابش است و ابر هیچ مخالفتی آن را نیوشانده است.

برات زنجانی، ضمن معنی کردن لغات بیت، به شرح زیر بسنده کرده است:

**مدنی برقع:** دارنده برقع مدنی، دارنده روبند مدنی (مدنی: منسوب به مدینه).  
**مکی نقاب:** دارنده نقاب مکی (مکی: منسوب به مکه). حضرت رسول از مکه است و نقابش هم نظیر نقاب مردم مکه است؛ اما از مدنی برقع یعنی دارای روبند منسوب به مدینه، نظامی دفن شدن حضرت رسول<sup>ص</sup> در مدینه را اراده کرده است.  
**معنی:** ای برگزیده‌ای که پوشش مکیان داری و در خاک مدینه روی در نقاب خاک کشیده‌ای. (زنجانی، ص ۲۰۰)

نظر شارح درباره «مدنی برقع» همان نظر مرحوم وحید است؛ اما در توضیح «مکی نقاب»، ابتدائاً آن را «دارنده نقاب مکی» معنی کرده سپس آن را توسعه داده و به معنی دارنده «پوشش مکیان» دانسته است. اما فارغ از اینکه نقاب را «پوشش» معنی کردن خالی از تجویزی نیست، باید توجه داشت که پوشش مکیان داشتن بر هیچ فضیلتی دلالت نمی‌کند تا نظامی از آن در نعت رسول اکرم استفاده کند. این پوشش را دیگران از جمله کافران و منافقان مکه هم می‌توانسته‌اند داشته باشند.

بهر روز ثروتیان در تفسیر این بیت به تفصیل بیشتری سخن گفته است. به نظر ایشان معنی بیت بدین شرح است:

ای آن که برقع مدنی و نقاب مکی داری و در مدینه برقع بر سر کشیده و در مکه نقاب از چهره گشادی... در این بیت صفتی از صفات مخاطب خود را به کار می‌برد که خاص اوست و شامل حال جز او نیست (مدنی برقع مکی نقاب) و با این کنایه (کنایه از موصوف) از کاربرد نام «محمد»<sup>ص</sup> صرفاً، برای تعظیم وی و شعریت بخشیدن به کلام خویش، سر باز می‌زند و کشف موضوع را در این کنایه آشکار به عهده خواننده می‌گذارد و او را به تلاش فکری وادار می‌کند تا دریابد غرض از برقع مدنی و نقاب مکی داشتن چیست؟ خواننده ناچار است برای دریافت این معنی مدارک و مأخذ مربوط به سرگذشت و زندگی پیامبر اسلام را از نظر بگذراند و به مطالعه آن بپردازد؛ نخست درمی‌یابد که نقاب و برقع بر روی نداشته تا یکی بافت و خاص

مدینه و دیگری از طرایف مکه باشد و حتی از منازعه اهل مکه و مدینه بر سر تدفین آن حضرت نیز نتیجه‌ای به دست نمی‌آید و، با توجه به اینکه برقع و نقاب هر دو «روبند» است، معلوم می‌گردد شاعر، با استفاده از فراین حالی و مقالی موجود در بیت، برای فصاحت بخشیدن به سخن خود دو فعل مقابل و متضاد «گشاده‌ای» و «بسته‌ای» را حذف کرده است: «ای آن که در مکه نقاب از رخ گشاده‌ای و در مدینه برقع بر روی کشیده و بسته‌ای» و همین دو کلام را نیز بالکنایه به معنی زاده شدن و از دنیا رفتن به کار برده است (ثروتیان، ج ۱، ص ۱۸۲)

سخن ثروتیان، با همه تفصیل، گرهی از مشکل بیت نمی‌گشاید بلکه برقع و نقابی نیز بر چهره مقصود می‌کشد. معلوم نیست اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقاب و برقیعی بر چهره نداشته چگونه «مدنی بُرَقِعِ مَكِّي نَقَاب» می‌تواند صفت خاص او باشد و شامل حال جز او نشود. دیدگاه شارح ضمناً مبتنی بر این فرض است که دو فعل «گشاده‌ای» و «بسته‌ای» در جمله مستتر باشد که ظاهراً هیچ قرینه‌ای در بیت نیست که بر آنها دلالت کند. شارح ضمناً نقاب گشودن را به معنی زاده شدن دانسته که پذیرفتن آن نیازمند اقامه شواهد کافی است. نکات دیگری نیز در شرح ایشان هست که، برای پرهیز از اطاله کلام، از آنها درمی‌گذریم.  
در شرح رضا انزابی نژاد آمده است:

مدنی برقع: مقصود پیغمبر<sup>ص</sup> است که چون در شهر مدینه رحلت کرده و روی از مردم پوشانده است شاعر با این ترکیب می‌خواند.

مکّی نقاب: باز مقصود پیغمبر است که در مکه نقاب از چهره برداشت و زاده شد و روی زیبای خود را به عالمیان نشان داد. شاید هم معنی این باشد که نقاب به چهره زد و از مکّیان روی نهان کرد؛ زیرا، به جهت مخالفت مشرکان مکه در آغاز بعثت و رسالت، پیغمبر نتوانست اسلام را گسترش دهد و پیش ببرد و ناچار شد روی از زادگاه خود برتابد و هجرت کند. نظامی ترکیب مکّی نقاب را ساخته است. (انزابی نژاد، ص ۷۶)

ایشان، در تأیید برداشت خودشان، به بیت

ای قمر طلعتِ مکّی مَطَّلَعِ  
مدنی مهدِ یسمانی بُرَقِعِ

از جامی در سبحة‌الابرار نیز استناد کرده‌اند.

لُبِّ دیدگاه شارح همان نظر ثروتیان است. مکی نقاب را، که به معنی کسی است که نقاب مکی بر رخ دارد، چگونه می توان برعکس و به معنی نقاب از رخ گشوده در مکه دانست؟ ایشان با تعبیر شاید احتمالی را نیز مطرح کرده اند که از محدوده احتمال فراتر نمی رود؛ چون جز بر سبیل مجاز دور نمی توان پذیرفت که مکی نقاب به هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و روی نهان کردن آن حضرت از مکّیان اشاره داشته باشد و دریافت لغوی نیز این احتمال را تأیید نمی کند.

ناصر نیکوبخت، در شرح بیت، پس از معنی کردن مفردات آن، آورده است:

مدنی برقع مکی نقاب: مُلبّس به پوشش مردم مدینه و مکه، اهل مدینه و مکه... حاصل بیت:  
ای پیامبر مکی و مدنی. (نیکوبخت، ص ۱۳۳)

حُسن شرح اخیر در سادگی و سراسر بودن آن است؛ اما باز هم باید توجه داشت که نمی توان برقع و نقاب را، که پوشش خاصّ چهره است، با مفهوم پوشش و لباس یکی دانست و، بنا بر آن، دارنده پوشش و لباس مکی و مدنی را به معنی مکی و مدنی گرفت مگر با گونه ای تجوّز که خلاف اصل است.

واپسین اثری که در شرح مخزن الاسرار نظامی منتشر شده کتابی است از تقی پورنامداریان و مصطفی موسوی. این اثر از دقت و اتقان در خور توجهی برخوردار است و، اگر به لحاظ زمانی بر آثار پیشین تأخّر دارد، به لحاظ ارزش و مرتبت بی گمان بر بسیاری از آثار قبلی مقدّم است. در آن، معنی بیت، پس از توضیح مفرداتی چون برقع و نقاب و مکی و مدنی، چنین آمده است:

ای کسی که در مکه تو را نشناختند چنان که گویی نقاب بر چهره زده بودی و در مدینه در زیر خاک خفته ای چنان که گویی روی بندی بر چهره انداخته ای تا کسی چهره چون آفتاب نورانی تو را نبیند و چشمش خیره نشود، آفتاب وجود تو تا چه وقت باید پنهان و سایه نشین باشد.  
(پورنامداریان و موسوی، ص ۱۷۴)

مقصود شارحان از ناشناخته بودن آن حضرت در مکه ظاهراً ناشناخته بودن قدر و عظمت ایشان در سال های نخست بعثت از جانب برخی کافران و معاندان قریش است و گرنه نام و نشان و صفات نیکوی آن حضرت از آغاز مشهور و زبانزد همه مردم بود و، چنان که در آیه ۱۴۶ سوره بقره و آیه ۲۰ سوره انعام آمده، حتی اهل کتاب او را همچون

فرزندان خود می‌شناختند. در تفسیر نسفی ذیل آئیناهُم الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ آمده است:

آن کس‌ها که ایشان را کتاب دادیم می‌شناسند که این قبله حَقُّ است و دعوی رسالت از مصطفیٰ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ صدق است، چنان‌که می‌شناسند فرزندان خویش را به دلیل ظاهر که میان خلق است. (نجم‌الدین عمر بن محمد نَسَفی، ج ۱، ص ۴۸)

### مقصود نظامی از «مَدَنی بُرَقِ مَکّی نقاب»

اگر بخواهیم، فارغ از اقوال شارحان مذکور، به توضیح مراد نظامی بپردازیم، این امر نیازمند مقدماتی به شرح زیر است:

نقاب و برقع و قناع ویژهٔ زنان نبوده است و، در گذشته، زنان و مردان، هر دو، از این پوشش استفاده می‌کرده‌اند. هنوز در بخش‌هایی از ممالک اسلامی، با آنکه در حجاب زنان چه بسا سخت‌گیری چندانی نشود، نقاب یکی از پوشش‌های رایج مردان است. فرق زنان و مردان در استفاده از این پوشش در این بوده است که زنان به منظور حفظ حجاب آن را به کار می‌برده‌اند و همهٔ حسرت و آرزوی عاشقان این بوده که نسیمی بوزد و نقاب دلبر آنان اندکی جا به جا شود تا آنها به حظّی برسند. به قول حافظ،

تو گر خواهی که جاویدان جهان یکسر بیارایی صبا را گو که بردارد زمانی برقع از رویت

اما در مورد مردان، قضیه کمی تفاوت می‌کرده و پوشیدن قناع و لثام و نقاب نشانهٔ بزرگی و اشرافیت بوده است. البته شدت آفتاب صحرا و طوفان‌های شن نیز چنین پوششی را برای مردان صحرا اقتضا می‌کرده است. رؤسای قبایل و بزرگان عرب از دورهٔ جاهلیت از این پوشش استفاده می‌کرده‌اند. رسول اکرم صَلَّی اللهُ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و دیگر بزرگان صدر اسلام نیز، حسب روایات تاریخی، آن را به کار می‌برده‌اند. به همین دلیل است که نظامی حضرت را «مدنی بُرَقِ مَکّی نقاب» می‌خواند تا به عظمت او اشاره کرده باشد. بر این اساس، مدنی بُرَقِ مَکّی نقاب به معنی همان «بُرَقِ و نقاب پوشِ مدینه و مکه» است که، در ساده‌ترین و روشن‌ترین معنای خود یعنی «بزرگ مدینه و مکه». سخن جاحظ در البیان و التبيين شاهدهی است گویا که به خوبی می‌تواند نقاب از رخ مقصود بردارد و ادعای ما را که پوشیدن برقع و نقاب برای مردان نشان اشرافیت و بزرگ‌منشی بوده است و پیامبر

گرامی اسلام نیز، به شیوه و عرف بزرگان عرب، از همین پوشش استفاده می‌کرده‌اند ثابت کند. و آن سخن این است:

وَ كَانَ مِنْ عَادَةِ فُرْسَانِ الْعَرَبِ فِي الْمَوَاسِمِ وَالْجُمُوعِ وَ فِي أَسْوَاقِ الْعَرَبِ كَأَيَّامِ عُكَاظٍ وَ ذِي الْمَجَازِ وَ مَا اشْبَهَ ذَلِكَ التَّقَطُّ... وَ الْقِنَاعُ مِنْ سِيَمَا الرُّؤَسَاءِ وَ الدَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ وَ الشَّاهِدُ الصَّادِقُ وَ الْحُجَّةُ الْقَاطِعَةُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ لَا يَكَادُ يُرَى إِلَّا مُقْتَعًا. (جاحظ، ج ۳، ص ۱۰۲)

ترجمه: از عادات فارسان عرب، در اعیاد و اجتماعات و در بازارهایشان، همچون ایام برگزاری بازار عکاظ و ذی‌المجاز<sup>۱</sup> و امثال آن، پوشیدن قناع و پرده بر چهره بوده است... و قناع از نشانه‌های رئیسان و بزرگان بوده است و دلیل و شاهد صادق و حجت قاطع بر این سخن آنکه رسول خدا، که درود و سلام خدا بر او باد، کمتر بدون قناع دیده می‌شد.

در شعر فارسی نیز، «برقع» در مواردی با تعابیری چون «عزّت» و «حرمت» قرین آمده که گواه همین معنی است:

آدم از او به بُرَقِ حُرْمَتِ سَپیدروی      شیطان از او به سیلیِ حرمان سیه‌قفا  
(خاقانی، ص ۵)  
چون تو برانداختی بُرَقِ عَزَّتِ ز پیش      جان متحیر بماند عقل فغان درگرفت  
(عطار، ص ۱۰۸)

### نتیجه

با توجه به اینکه بزرگان عرب به عنوان نشانه‌ای از تشخص و اشرافیت از بُرَقِ و نقاب استفاده می‌کرده‌اند، مراد نظامی از تعبیر «مدنی بُرَقِ مکی نقاب» در بیت مشهور مخزن‌الاسرار این است که رسول اکرم را به عظمت و بزرگی بستاید و از او به عنوان بزرگ

(۱) مرزوقی اصفهانی در کتاب الاذمنة و الامکنة (تألیف: ۴۵۳) در مبحث «اسواق العرب» به سیزده بازار بزرگ عرب در عصر جاهلیت اشاره می‌کند که از جمله آنها «ذوالمجاز» و «عکاظ» است (مرزوقی، ج ۲، ص ۱۶۱-۱۶۶). برخی از این بازارها ویژه قبایل خاص بوده‌اند؛ اما بازار عکاظ جشنواره‌ای اقتصادی و فرهنگی برای عامه عرب محسوب می‌شده است. هریک از این بازارها در ایام خاصی برگزار می‌شده‌اند؛ مثل ذوالمجاز که در آغاز ذیحجه بر پا می‌شده و تا روز ترویبه ادامه می‌یافته است.  
مرزوقی (همان، ص ۱۶۶) به این شیوه بزرگان عرب نیز اشاره می‌کند که همگی در بازار عکاظ بر چهره خود نقاب می‌زده‌اند تا باز شناخته نشوند.

مکه و مدینه، مقدس‌ترین شهرهای جهان اسلام، یاد کند. شارحان، چون به این نکته تاریخی در سیره رسول اعظم توجه نداشته‌اند، در شرح بیت دچار تکلف و تجوز شده‌اند. تفسیر «مدنی برقع»، به عنوان کسی که در مدینه برقع خاک بر چهره کشیده، چه بسا خالی از وجه نباشد و، در کنار آنچه ذکر شد، درخور توجه تلقی شود.

### منابع

- انزایی نژاد، رضا، پرده سحر سحری (گزیده مخزن الاسرار حکیم نظامی گنجوی)، جامی، تهران ۱۳۷۷.
- پورنامداریان، تقی و مصطفی موسوی، گزیده مخزن الاسرار نظامی گنجوی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۹.
- ثروتیان، بهروز، شرح مخزن الاسرار، انتشارات برگ، تهران ۱۳۷۰.
- جاحظ، البیان و التبیین، ج ۳، دارالجمیل، بیروت ۱۴۱۰ / ۱۹۹۰.
- خاقانی شروانی، دیوان خاقانی شروانی، به تصحیح سید ضیاءالدین سجادی، زوار، تهران ۱۳۳۸.
- زنجانی، برات، احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۶۸.
- عطار نیشابوری، دیوان عطار، به تصحیح تقی تفضلی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۱.
- مرزوقی اصفهانی، ابوعلی احمد بن محمد بن حسن، کتاب الازمنة و الامکنه، مطبعة مجلس دائرة المعارف الکائنة فی الہند، چاپ اول، حیدرآباد دکن ۱۳۳۲ ه.ق.
- نجم‌الدین عمر بن محمد نسفی، ابو حفص، تفسیر نسفی، به تصحیح عزیزالله جوینی، سروش، تهران ۱۳۷۶.
- نظامی گنجوی، مخزن الاسرار، به تصحیح حسن وحید دستگردی، سوره مهر، تهران ۱۳۷۹.
- نیکوبخت، ناصر، مثنوی مخزن الاسرار نظامی گنجوی (نسخه کامل) همراه با شرح گزیده آن، چشمه، تهران ۱۳۸۶.
- وحید دستگردی، حسن ← نظامی گنجوی.

□